

## مراقبه معنوی و محاسبه نفس با تأکید بر سیره علمای ربانی

حجت الاسلام والمسلمین عبدالکریم پاک‌نیا\*

### مقدمه

مراقبت معنوی برای رشد شخصیت افراد و رسیدن به کمال انسانی، امری ضروری و لازم است. اساساً مراقبه و محاسبه نفس چه در امر دین یا در کار دنیا امر مفید و دارای سودی عظیم است. علامه طباطبایی<sup>رحمته</sup> ذیل آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ لَنَنْظُرَنَّ نَفْسًا مَّا قَدَّمَتْ يَغْدِرَ وَ اتَّقُوا اللَّهَ...»<sup>۱</sup> می‌نویسد: «در این آیه "اتَّقُوا اللَّهَ" اول ناظر به مراقبه و "اتَّقُوا اللَّهَ" دوم ناظر به محاسبه است؛ یعنی خدای متعال اول مؤمنین را وادار می‌کند که به یاد خدای سبحان باشند و او را فراموش نکنند، مراقب اعمال خود باشند که چه می‌کنند، صالح آنها کدام و طالحش کدام است؛ چون سعادت زندگی آخرت‌شان به اعمال‌شان بستگی دارد و مراقب باشند که جز اعمال صالح انجام ندهند و صالح را هم خالص برای رضای خدا به جای آورند و این مراقبت را استمرار دهند. همچنین همواره از نفس خود حساب بکشند و هر عمل نیکی که در کرده‌های خود یافتند، خدا را شکر گذارند و هر عمل زشتی دیدند، خود را توبیخ نموده، نفس را مورد مؤاخذة قرار دهند و از خدای تعالی طلب مغفرت کنند»<sup>۲</sup>.

از منظر پیغمبر اکرم<sup>صلی الله علیه و آله</sup>، زرنگ‌ترین و باهوش‌ترین افراد انسان‌های محاسبه‌کننده هستند و فرمود: «أَكْبَسُ الْكَيْسِيِّينَ مَنْ حَاسَبَ نَفْسَهُ»<sup>۳</sup> زیرک‌ترین زیرکان کسی است که به محاسبه نفس خویش بپردازد؛ همان‌طور که طبق روایات اهل بیت<sup>علیهم‌السلام</sup> یکی از شرایط شیعه کامل، محاسبه

\* استاد سطح عالی حوزه علمیه قم و مبلغ نخبه دفتر تبلیغات اسلامی.

۱. حشر: ۱۸.

۲. محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۹، ص ۲۱۷.

۳. محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۹۸.

روزانه نفس است.<sup>۱</sup>

ای دل، چه اندیشیده‌ای، در عذر آن تقصیرها

زان سوی او، چندان وفا، زین سوی تو، چندین جفا

زان سوی او، چندان کرم، زین سو، خلاف و بیش و کم

زان سوی او، چندان نعم، زین سوی تو، چندین خطا

از بد پشیمان می‌شوی الله‌گویان می‌شوی

آن دم تو را او می‌کشد تا وارهاوند مر تو را

از جرم ترسان می‌شوی وز چاره پرسان می‌شوی

آن لحظه ترساننده را با خود نمی‌بینی چرا<sup>۲</sup>

### معنای مراقبه و محاسبه

مراقبه در تعبیّرات علمای اخلاق دربارهٔ «مراقبت از خویش» به کار می‌رود و مرحله‌ای است بعد از «مشارطه»؛ یعنی انسان بعد از عهد و پیمان با خویش برای طاعت فرمان الهی و پرهیز از گناه، باید مراقب پاکی خویش باشد؛ چراکه اگر غفلت کند، ممکن است تمام شرط و پیمان‌هایی که با خداوند در میان گذاشته است، به هم بریزد.

محاسبه نفس یعنی هر کسی در پایان هر روز به محاسبه کارهای خویشتن پردازد، جزئیات ارتباط خود و خدایش را کاملاً ارزیابی نماید و عملکرد خود را در زمینه خوبی‌ها و بدی‌ها، اطاعت و عصیان، خداپرستی و هواپرستی دقیقاً مورد محاسبه قرار دهد؛ همان‌گونه که یک تاجر با موشکاف و دقت هر روز یا هر هفته و هر ماه و هر سال به حسابرسی تجارتخانه خود می‌پردازد و سود و زیان خویش را از دفاتر تجاری بیرون می‌کشد و تصمیم صحیح برای ادامه تجارت می‌گیرد، انسان سعادت‌طلب هم این چنین به محاسبه الهی و معنوی دست می‌زند و همین کار را در مورد اعمال و اخلاق خویش انجام می‌دهد.

محاسبه نفس یکی از مراحل چهارگانه‌ای است که توسط بزرگان و عرفا برای پاک‌ماندن از گناه توصیه شده است. این مراحل چهارگانه عبارت‌اند از: مشارطه، مراقبه، محاسبه و معاتبه.

۱. حسین بن سعید کوفی اهوازی، الزهد، ص ۷۸.

۲. جلال الدین مولوی، دیوان شمس، غزل شماره ۳.

انسان حقیقت‌جو در ابتدای روز مشارطه می‌کند که مرتکب گناه و خلاف نشود و در طول روز نیز در حال مراقبه است تا بتواند به مشارطه خود عمل کند. در پایان روز نیز به محاسبه نفس که همان بررسی عملکرد او در آن روز است می‌پردازد. اگر بعد از محاسبه برای کاستی‌ها و لغزش‌ها جریمه و مجازات تعیین شود و بعد به آن جریمه‌ها و مجازات‌ها عمل شود، در این حالت محاسبه با معاتبه همراه خواهد بود. یعنی اگر انسان در محاسبه متوجه اشتباهاتی در رفتارش شد، خود را تنبیه کند تا لغزش‌هایش جبران شود؛ مثلاً خود را ملزم کند روز بعد را روزه بگیرد یا مبلغی انفاق کند یا قدری قرآن تلاوت نماید یا کار خیر دیگری انجام دهد تا جبران آن کار اشتباه شود.

استاد حسن‌زاده آملی می‌نویسد:

بزرگان ما فرموده‌اند شب و روزی یک بار «محاسبه» داشته باش، در یک وقت معین به «محاسبه» بنشین و نفس را به حساب بکش که روزت را به چه نحو گذرانده‌ای، ببین که خرج و دخل روزانه‌ات چیست؟ ببین که اقبال و ادبارت و صواب و ناصوابت تا چه اندازه بود، بر محاسن شاکر باش و از مقایح تائب، مرد حساب باش که دار، دار حساب است. در نظام احسن عالم، یک ذره بی‌حسابی نیست. بدان که علم و عمل، انسان سازند و ما شب و روز داریم خودمان را می‌سازیم، ببین خودت را چگونه می‌سازی که هرچه تحصیل نموده‌ای آنی: «لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى»<sup>۱</sup>.

### مراقبه و محاسبه در فرهنگ اسلامی

همان‌گونه که بیان شد، آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ لْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ»<sup>۲</sup> ناظر به مسئله مراقبه و محاسبه است. روایات بسیاری هم بر لزوم محاسبه وارد شده است؛ چراکه انسانی که باید فردا به حساب خود برسد، چه بهتر که در این دنیا ناظر بر حساب خویش باشد. امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: «مَا أَحَقَّ الْإِنْسَانَ أَنْ تَكُونَ لَهُ سَاعَةٌ لَا يَشْغَلُهُ عَنْهَا شَاغِلٌ، يُحَاسِبُ فِيهَا نَفْسَهُ فَيَنْظُرُ فِيهَا أَكْتَسَبَ لَهَا وَعَلَيْهَا فِي لَيْلِهَا وَنَهَارِهَا»<sup>۳</sup> چقدر شایسته است که انسان ساعتی برای خود داشته باشد که هیچ چیز او را به خود مشغول نسازد و در این ساعت،

۱. حسن حسن‌زاده آملی، مجموعه مقالات، ص ۱۶۲.

۲. حشر: ۱۸.

۳. حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۱۵۴.

محاسبه خویش کند و بنگرد چه کاری به سود خود انجام داده و چه کاری به زیان خود در آن شب و در آن روز».

بر اساس این کلام علوی، محاسبه نفس باید در هر روز انجام شود، آن هم در ساعتی که انسان فراغت کامل داشته باشد. حتی امام موسی بن جعفر علیه السلام کسی را که محاسبه نفس نداشته باشد، در ردیف پیروان اهل بیت علیهم السلام نمی‌داند. ایشان در این باره فرمود: «لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُحَاسِبْ نَفْسَهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ فَإِنَّ عَمَلًا حَسَنًا اسْتَرَادَ اللَّهَ وَإِنْ عَمِلَ سَيِّئًا اسْتَعْفَرَ اللَّهُ مِنْهُ وَتَابَ إِلَيْهِ؛<sup>۱</sup> کسی که هر روز به حساب خویش نرسد، از ما نیست؛ اگر کار خوبی انجام داده است، از خدا توفیق فزونی طلبد [و خدا را بر آن سپاس گوید] و اگر عمل بدی انجام داده است، استغفار کند و به سوی خدا برگردد و توبه کند».

این روایات اهمیت محاسبه نفس در اسلام را به گونه شایسته‌ای بیان می‌کنند. اصولاً حضرات معصومین علیهم السلام یاران خاص خود را بدون مراقبه و محاسبه نمی‌پذیرفتند؛ از جمله وارد شده است:

زمانی ابراهیم ساربان [از شیعیان قشر ضعیف] به دلیل نیازی اجازه خواست حضور نخست‌وزیر علی بن یقطین [از یاران خاص امام هفتم علیه السلام] برسد، ولی اجازه نیافت. در همان سال علی بن یقطین به مکه رفت. وقتی وارد مدینه شد، اجازه خواست تا خدمت موسی بن جعفر علیه السلام برسد؛ اما امام هفتم اجازه ملاقات نداد. روز دوم علی بن یقطین، موسی بن جعفر علیه السلام را ملاقات کرد و عرضه کرد آقا گناه من چه بود؟ فرمود: تو را مانع شدم برای اینکه مانع برادرت ابراهیم ساربان شدی؛ خداوند نیز سعی و حجج تو را نمی‌پذیرد مگر اینکه ابراهیم را راضی کنی. عرض کرد: آقا من چگونه می‌توانم ابراهیم را ملاقات کنم، در این ساعت من در مدینه هستم و او در کوفه است.

فرمود: شب تنها بدون اینکه کسی از همراهانت با تو باشد، به جانب بقیع می‌روی؛ در آنجا اسبی آماده مشاهده خواهی کرد، سوار آن اسب می‌شوی. علی بن یقطین به بقیع رفت، سوار بر آن اسب شد و طولی نکشید که کنار درب خانه ابراهیم ساربان پیاده شد. درب خانه را کوبید و گفت: من علی بن یقطینم. ابراهیم با تعجب از درون خانه صدا زد: علی بن یقطین، نخست‌وزیر هارون الرشید درب خانه من چکار دارد؟ علی گفت: گرفتاری بزرگی دارم، او را قسم داد که درب را باز کند. داخل اطاق شد و به ابراهیم گفت: مولایم موسی بن جعفر علیه السلام از پذیرفتن من

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۴۵۳.

امتناع ورزیده است، مگر اینکه تو مرا ببخشی. ابراهیم گفت: خدا تو را ببخشد. علی بن یقظین قسم داد به ابراهیم که قدم روی صورت او بگذارد؛ ولی ابراهیم از این کار امتناع ورزید. برای مرتبه دوم او را قسم داد، قبول کرد. در آن موقعی که ابراهیم پای خود را روی صورت علی بن یقظین گذاشته بود، علی می‌گفت: خدایا تو شاهد باش، خطایم را جبران می‌کنم. از جای حرکت کرده، سوار اسب شد و در همان شب به در خانه موسی بن جعفر علیه السلام آمد و اجازه ورود خواست؛ موسی بن جعفر علیه السلام اجازه داد و او را پذیرفت.<sup>۱</sup>

### عالمان ربانی در میدان محاسبه

علمای ربانی به دلیل اهمیت حیاتی مراقبه و محاسبه، همواره مترصد نفس خویش بودند و اهمّیت فوق‌العاده‌ای برای تهذیب نفس و خودسازی قائل بوده‌اند؛ بر اثر همین مجاهدت‌ها و مراقبت‌ها نیز به قله‌های رفیع کمالات و معنویات رسیدند؛ چراکه می‌دانستند انسان هم صلاحیت رسیدن به درجات ملانکه و صعود به مقام «قَابِ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى»<sup>۲</sup> را دارد و هم قابلیت تنزل از مقام انسانیت و فرارگرفتن در سراشیبی سقوط به موقعیتی پایین‌تر از چهارپایان را داراست که «أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ»<sup>۳</sup>. اینجاست که جهاد اکبر و مراقبه و محاسبه ضرورت پیدا می‌کند.

در ادامه به سیره و سخن علمای ربانی درباره خودسازی و حسابرسی از نفس می‌پردازیم و نمونه‌هایی را بیان می‌کنیم.

### مقدس اردبیلی

سیره عملی مقدس اردبیلی در حسابرسی نفس، زبانزد خاص و عام است. گاه می‌شد نکته‌ای را به خوبی می‌دانست، اما ابراز آن را با خودسازی سازگار نمی‌دید و از کنار آن می‌گذشت تا گرفتار ریا نشود. همیشه حساب نفس خود را در اختیار داشت.

زمانی در مجلسی بین ملا احمد اردبیلی و ملا عبداللّه شوشتری در مسئله‌ای علمی، گفتگو درگرفت. در اوج مباحثه، محقق اردبیلی سکوت اختیار کرد؛ پس از جلسه دست ملا عبداللّه شوشتری را گرفته و به بیرون شهر برد. محقق اردبیلی با مهارت تمام مسئله مورد بحث را شکافت

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۸، ص ۸۵.

۲. نجم: ۹.

۳. اعراف: ۱۷۹.

و دیدگاه ارزشمند خود را درباره مسئله بیان نمود. ملاعبداللّه با شگفتی پرسید: شما که چنین بر مسئله احاطه داشتید، چرا در همان جا به شرح آن نپرداختید؟ محقق اردبیلی پاسخ داد: در آنجا گفتگوی ما در حضور مردم بود و این احتمال وجود داشت که به جدل پردازیم و برای اینکه بر یکدیگر پیروز شویم، از راه درست به در رویم و به راه نادرست پیماییم؛ ولی در اینجا جز خداوند متعال، کسی وجود ندارد و هر دو از فخرفروشی و اظهار فضل به دوریم.<sup>۱</sup> این چنین مقدس اردبیلی همواره در مراقبه اعمالش و محاسبه نفسش پیشگام بود.

### میرزا جوادآقا ملکی تبریزی

آیت الله میرزا جوادآقا ملکی تبریزی سالیان بسیاری در نجف توفیق بهره‌مندی از محضر پرنور عارف کامل آیت الله آخوند ملاحسین قلی همدانی را داشت و از انقباس آن مرد قدسی بهره‌ها برد. کتاب المراقبات ایشان مناسب‌ترین اثر در موضوع مراقبه و محاسبه نفس است. میرزا جوادآقا ملکی خود در مراقبه و محاسبه پیش‌گام بود. او پس از دو سال شاگردی در محضر عارف کامل، آیت الله آخوند ملاحسین قلی همدانی رحمته‌الله، یک روز در خدمت استاد عرض می‌کند: من در سیروسلوک خود به جایی نرسیده‌ام. آقا در جواب او از اسم و رسمش سؤال می‌کند. او تعجب کرده و می‌گوید: مرا نمی‌شناسید؟ من جواد ملکی تبریزی هستم. ایشان می‌گوید: شما با فلان ملکی بستگی دارید؟ میرزا جوادآقا چون او را خوب و شایسته نمی‌دانست، از آنان انتقاد می‌کند. آخوند ملاحسینقلی در جواب می‌فرماید: هر وقت توانستی کفش آنها را که بد می‌دانی، پیش پایشان جفت کنی، من خود به سراغ تو خواهم آمد.

میرزا جوادآقا فردا که به درس می‌رود، با فشار روحی فراوانی که برایش وجود داشت،<sup>۲</sup> سعی می‌کند در محلی پایین‌تر از بقیه شاگردان بنشیند و رفته‌رفته طلبه‌هایی را که از آن فامیل در نجف بودند و ایشان آنها را خوب نمی‌دانست، مورد محبت خود قرار می‌دهد، تا جایی که کفش‌شان را پیش پای آنها جفت می‌کند؛ چون این خبر به آن طایفه می‌رسد که در تبریز ساکن بودند، رفع کدورت فامیلی می‌شود. بعد آخوند او را ملاقات می‌کند و می‌فرماید: دستور تازه‌ای نیست، تو باید حالت اصلاح شود تا از همین دستورات شرعی بهره‌مند شوی. در ضمن یادآوری می‌کند کتاب مفتاح الفلاح شیخ بهائی رحمته‌الله برای عمل کردن خوب است.<sup>۳</sup>

۱. سید نعمت الله جزائری، انوار النعمانیة، ج ۳، ص ۴۰.

۲. زیرا او یک اشراف‌زاده و دارای موقعیتی ویژه بود.

۳. منوچهر صدوقی‌سها، تاریخ حکماء و عرفا، ص ۱۳۳.

میان عاشق و معشوق هیچ حائل نیست تو خود حجاب خودی حافظ از میان برخیز

### آیت‌الله بروجردی

در حالات فقیه بزرگ عالم شیعه، مرحوم آیت‌الله بروجردی<sup>رحمه‌الله</sup> نقل شده است هرگاه ایشان عصبانی می‌شد و گاهی به بعضی طلاب درس خود پرخاش می‌کرد، با اینکه این پرخاش همانند پرخاش پدر به فرزندش بود، بلافاصله از همین پرخاش مختصر پشیمان می‌شد و در مقام عذرخواهی و جبران بر می‌آمد؛ همچنین طبق نذری که داشت، فردای آن روز را برای جبران این کار روزه می‌گرفت و به این ترتیب خود را در برابر این کار کوچک معاتبه و معاقبه می‌فرمود.<sup>۱</sup>

### استاد مرتضی مطهری

استاد شهید مرتضی مطهری موفقیت‌های خود را مرهون محاسبه نفس و مراقبات معنوی می‌دانست. ایشان از حسابرسی نفسانی هرگز غفلت نمی‌کرد و برای جبران کمبودهای معنوی، هم خود را از گناهان تخلیه می‌کرد و هم خود را به کمالات معنوی می‌آراست. در ادامه به دو نمونه از این رفتار ایشان اشاره می‌کنیم.

استاد مطهری<sup>رحمه‌الله</sup> افزون بر اینکه شدیداً از گناه و کارهای حرام و حتی مکروهات پرهیز می‌نمود، در مواردی که احساس می‌کرد کارش مورد رضایت الهی نباشد، آن را ترک می‌کرد. داستان زیر نشان‌دهنده این روحیه استاد شهید است.

در خاطرات شهید مطهری آمده است: در ایام طلبگی - البته کمتر از جاهای دیگر ولی خوب - اتفاق می‌افتد که انسان می‌نشیند در یک مجلس، عده‌ای از این آقا و آن آقا غیبت می‌کنند. یک وقت هم می‌بینی خود انسان گرفتار می‌شود. خدا رحمت کند مرحوم آیت‌الله العظمی آقای حجت را، من یک دفعه در شرایطی قرار گرفتم و با اشخاصی محشور بودم که این مرد که حق استادی به گردن من داشت و من سال‌ها خدمت ایشان درس خوانده بودم و حتی در درس ایشان جایزه گرفتم، مورد غیبت واقع شد. یک وقت احساس کردم که درست نیست. من چرا در یک چنین شرایطی قرار گرفته‌ام؟

ایشان در یک تابستانی به حضرت عبدالعظیم تشریف آورده بودند، یک روز بعد از ظهری رفتم درب خانه ایشان را زدم، گفتم: بگوئید فلانی هست. ایشان در اندرون بودند، اجازه دادند. یادم هست که رفتم داخل، کلاهی به سر ایشان بود و بر بالشتی تکیه کرده بودند. (پیرمرد مریض

۱. ناصر مکارم شیرازی، اخلاق در قرآن، ج ۱، ص ۲۶۴.

بود، دو سال قبل از فوت ایشان بود) گفتم: آقا آمده‌ام یک مطلبی را به شما عرض کنم. فرمود: چیست؟ گفتم: من از شما غیبت کرده‌ام، ولی البته کم، اما غیبت نسبتاً زیادی شنیده‌ام و من از این کار پشیمانم که چرا در جلسه‌ای که از شما غیبت می‌کردند، حاضر شدم و شنیدم و چرا احیاناً به دهان خودم هم غیبت شما آمد و من چون تصمیم دارم که دیگر هرگز غیبت نکنم و هرگز هم غیبت شما را از کسی استماع نکنم، آمده‌ام به خود شما عرض بکنم که مرا ببخشید، از من بگذرید.

این مرد با بزرگواری‌ای که داشت، به من گفت: «غیبت کردن از امثال من دو جور است؛ یک وقت به شکلی است که اهانت به اسلام است، یک وقت هم هست که به شخص ما مربوط می‌شود». من دانستم که مقصود ایشان چیست. گفتم: نه، من چیزی نگفتم و جسارتی نکردم که به اسلام توهین شود، هرچه بوده مربوط به شخص خودتان است.

گفت: من گذشتم.<sup>۱</sup>

استاد مطهری برای تهذیب نفس چنان از لذت‌های معنوی سرمست می‌شد که ندای مناجات و نماز شب وی دیگران را نیز متأثر می‌کرد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی در این باره می‌فرماید: «مرحوم مطهری رحمته‌الله یک مرد اهل عبادت، اهل تزکیه اخلاق و روح بود. من فراموش نمی‌کنم ایشان وقتی مشهد می‌آمد، خیلی از اوقات به منزل ما وارد می‌شد؛ گاهی هم ورودشان در منزل خویشاوندان همسرشان بود. هر شبی که ما با مطهری رحمته‌الله بودیم، این مرد نیمه شب تهجد با آه و ناله داشت؛ یعنی نماز شب می‌خواند و گریه می‌کرد، به طوری که صدای گریه و مناجات او افراد را از خواب بیدار می‌کرد ... بله، ایشان نصف شب نماز شب می‌خواند، همراه با گریه، با صدایی که از آن اتاق می‌شد آن را شنید ... هر شب قبل از اینکه بخوابد، گاهی در رختخواب و گاهی هم قبل از ورود به رختخواب قرآن می‌خواند».<sup>۲</sup>

بی‌تردید یکی از مهم‌ترین عوامل توفیق این عالم وارسته، دعاها و مناجات‌های شبانه بود؛ همان‌طور که حافظ شیرازی می‌گوید:

هر گنج سعادت که خدا داد به حافظ  
از یمن دعای شب و ورد سحری بود

۱. مرتضی مطهری، گفتارهای معنوی، ص ۱۴۵ - ۱۴۶.

۲. جمعی از فضلا و باران، سرگذشت‌های ویژه، ص ۸۸.



برخی از سلوک رفتاری شهید مطهری را می‌توان این‌گونه برشمرد:

۱. همیشه با وضو بود و به این کار توصیه می‌کرد.
۲. به طبیعت علاقه شدیدی داشت و گاه ساعت‌ها در نقاط باصفا می‌نشست و فکر می‌کرد.
۳. همیشه نماز شب را به پا می‌داشت و به این دلیل شب‌ها زودتر می‌خوابید.
۴. شب‌ها قبل از خواب بیست دقیقه قرآن می‌خواند.
۵. به فقرا و مستمندان کمک می‌کرد، به طوری که برخی موارد آن بعد از شهادت او آشکار شد.
۶. هنگام روضه برای سیدالشهداء علیه السلام و مناجات‌های شبانه، صدای گریه‌اش بلند می‌شد.
۷. او چنان به خداوند ایمان داشت که در شرایط سخت زندگی به امدادهای غیبی چشم دوخته و از خداوند مدد می‌خواست.
۸. برای پدر و مادر و اساتید خویش احترام و صف‌ناپذیری قائل بود.
۹. در امور عبادی، اجتماعی و سیاسی از تظاهر کردن به شدت پرهیز می‌کرد.<sup>۱</sup>

### کتاب‌نامه

۱. اخوین، عباس، لمعاتی از شیخ شهید، تهران: صدرا، ۱۳۸۰ ش.
۲. آقابزرگ تهرانی، محمدمحسن، الذریعه الی تصانیف الشیعه، بیروت: دارالاضواء، ۱۴۰۳ ق.
۳. پاک‌نیا، عبدالکریم، «شهریار شهود: ملا فتح‌علی سلطان‌آبادی»، فرهیختگان تمدن شیعی، در: B2n.ir/a94443.
۴. جزایری، سید نعمت‌الله، انوار النعمانیه، تبریز: حقیقت، ۱۳۸۲ ق.
۵. جمعی از نویسندگان، گلشن ابرار، قم: پژوهشکده باقرالعلوم علیه السلام، ۱۳۸۲ ش.
۶. حسن‌زاده آملی، حسن، مجموعه مقالات، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، ۱۳۶۹ ش.
۷. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام، ۱۴۰۹ ق.
۸. صدوقی سها، منوچهر، تاریخ حکماء و عرفا، تهران: حکمت، ۱۳۸۱ ش.
۹. طباطبائی، محمدحسین، تفسیر المیزان فی تفسیر القرآن، قم: اسماعیلیان، ۱۳۹۴ ق.
۱۰. قمی، شیخ عباس، فوائد الرضویه، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۵ ش.

---

۱. عباس اخوین، لمعاتی از شیخ شهید، ص ۴۸.

۱۱. کوفی اهوازی، حسین بن سعید، الزهد، قم: علمیه، ۱۴۰۲ ش.
۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۸ ق.
۱۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت: مؤسسة الوفا، ۱۴۰۳ ق.
۱۴. مطهری، مرتضی، گفتارهای معنوی، تهران: صدرا، ۱۳۶۳ ش.
۱۵. مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، قم: نشر مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۳۷۷ ش.
۱۶. مولوی، جلال‌الدین، دیوان شمس تبریزی، تهران: نغمه زندگی، ۱۳۸۲ ش.
۱۷. نوری، حسین بن محمدتقی نوری، مستدرک الوسائل، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام، ۱۴۰۸ ق.